



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

«مفسد اقتصادی»، «شرکت‌های تراستی»، «گرانی ارز» و جملاتی ازاین‌قبیل احتمالاً نباید ربطی به بخش فرهنگی روزنامه داشته باشند. قطعاً مخاطبی که می‌آید و صفحه فرهنگی را می‌خواند دلیل تورم و یا اینکه چطور می‌توان یک ساختار اقتصادی را دور زد برایش اهمیت چندانی ندارد یا لاق در فیلم توقع دیدن ایسن‌قبیل موضوعات را ندارد، هر چند که تکن‌ک این مسائل را با پوست و گوشت و البته استخوان و – یا حتی به بیان بهتر – مغز استخوانش احساس می‌کند. به قول عده‌ای هنرمند را چه‌کار با مسائل اقتصادی؟ نهایت تعاملی که جامعه هنر ایران می‌تواند با یک امر اقتصادی برقرار کند لابد صرفاً و تنها راه‌انداختن یک بنگاه اقتصادی کوچک، از قبیل رستوران و کافه و کتاب‌فروشی است که همان‌ها هم تجربه ثابت کرده سوده نیستند و از خدا پنهان نیست چرا از شما پنهان باشد، خیلی‌ها می‌گویند از هنری‌جماعت، کاسب در نمی‌آید. اما اگر کسی بخواهد این چرخه را بشکند چه؟ اگر کارگردانی بخواهد گرگی از خیابان فردوسی را نشان بدهد و یا چیزی شبیه به رکود بزرگ را به تصویر بکشد، آن‌وقت چه؟ آن‌وقت باز هم اهالی سینما صفحه بخش فرهنگ را تورق می‌کنند؟ مسئله اینجاست که سینمای ایران در سال‌های اخیر متأثر از مسائل اقتصادی بوده و اقتصاد را همیشه در پس‌زمینه روایت کرده است، اما تا وقتی پای یک داستان کاملاً اقتصادی به میان می‌آید، کارگردان‌ها قصه‌ها را پس می‌دهند به تولیدات سیمما و سریال‌ها روی خوش بیشتری به مسائل اقتصادی نشان می‌دهند، اما «کارواش» احمد مرادپور از این قاعده مستثنی است. البته او این ادعا را ندارد که چیزی شبیه به «گرگ وال‌استریت» یا «رکود بزرگ» آدام مکنی را خلق کرده، اما کارواشش به نظر نمونه نادری از یک درام اقتصادی است؛ فیلمی که به‌جای خلق و طرح مسئله موضوعاتی از قبیل مفاسد اقتصادی و تورم، در پس‌زمینه‌ها آن‌ها را دقیقاً روی کاغذ کشانده است و سطر به سطر متن تغییرات تابلوی صرافی‌های خیابان فردوسی تهران را مورد بررسی قرار می‌دهد. ازاین‌حیث «کارواش» احمد مرادپور از معدود آثار مربوط به موضوعات اقتصادی در سینمای ایران به حساب می‌آید. فیلمی که در آن امیر آقایی، حسین مهری، حسین محبوب، خاطره اسدی، امیرحسین صدیق و پانته‌آ پناهی‌ها به ایفای نقش می‌پردازند و فضسای متفاوتی با دیگر آثار فجر ۴۴ را

سینما علیه فساد



مهدی عبداللهی دبیر گروه اقتصاد

یکی از فیلم‌هایی که در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، فیلم «کارواش» بود. در روزهای آخر جشنواره فجر، خبرنگاران حوزه اقتصادی رسانه‌های کشور نیز به تماشای این فیلم نشستند. مروی بر نگاه منتقدان نشان می‌دهد بخش عمده نقدها مربوط به فرم و ابعاد فنی فیلم بوده و منتقدان به مواردی همچون برخی ضعف‌های روایی فیلم، دوربین خونسرد، ساده‌انگاری در تعقیب و گریزها و روند حل معماها اشاره می‌کنند.

منتقدان می‌گویند «کارواش» در لحظات دراماتیک شتاب‌زده عمل می‌کند، درحالی‌که می‌توانست در پرداخت دراماتیک عمیق‌تر شود و در پایان‌بندی جسورانه‌تر عمل کند؛ اما به گفته آنان، در یک نکته تردیدی نیست؛ این فیلم گامی مهم در جهت تبدیل فساد از یک روایت شخصی به یک مسئله ساختاری است. به عبارتی، در زمانی که بسیاری از فیلم‌ها پیچیده‌ترین مسائل اقتصاد سیاسی کشور را صرفاً با سیاه‌نمایی به نمایش می‌گذارند، «کارواش» می‌تواند بخشی از گفت‌وگوی عمومی برای مبارزه هدفمند با فساد را شکل دهد. «کارواش» نشان می‌دهد سینما می‌تواند بدون سیاه‌نمایی، بدون شعارزدگی و بدون قهرمان‌سازی اغراق‌آمیز، یک گفت‌وگوی عمومی برای مبارزه با فساد را شکل دهد. درنهایت اگر «کارواش» را صرفاً یک درام پلیسی درباره چند فرد فاسد ببینیم، پیام اصلی آن را از دست داده‌ایم. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که می‌تواند به فهم عمیق‌تر اثر کمک کند.

از شست‌وشوی خودرو تا شست‌وشوی پول!

عنوان «کارواش» برای این فیلم هوشمندانه است. کارواش جایی است که ظاهر خودرو تمیز می‌شود، بی‌آنکه الزاماً به موارد فنی و موتور آن دست‌زده شود. این استعاره، دقیقاً به فرایند پولشویی اشاره دارد؛ پاک کردن ظاهر پول‌های آلوده و وارد کردن آن‌ها به چرخه رسمی اقتصاد. همچنین فیلم با انتخاب یک کسب‌وکار روزمره و ملموس، نشان می‌دهد پولشویی الزاماً در برج‌های شیشه‌ای یا دفاتر لوکس اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه می‌تواند در دل مشاغل کوچک و به‌ظاهر عادی نیز جریان داشته باشد.

افشاگری بازی قدرته

نقطه قوت اصلی فیلم، در تغییر زاویه دید آن از فرد به مسئله ساختاری نهفته

احمد مرادپور، کارگردان «کارواش» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

رقم زد. «کارواش» مرادپور در روزهای پایانی فجر برای اهالی رسانه به نمایش درآمد و گفت‌وگویی که احتمالاً تا چند لحظه دیگر آن را از نظر می‌گذرانید، در واپسین روزهای فجر ۴۴ و پیش از اعلام جوایز انجام شده است. گفت‌وگو با کارگردانی که عمدتاً کم مصاحبه می‌کند و از نام‌های کم‌کار در سینمای ایران به حساب می‌آید. مرادپور آخرین اثرش را در قرن گذشته ساخت و ۶ سالی می‌شود چیزی را برای پرده‌های سینما آماده نکرده است. مرادپور در تمام این سال‌ها بیش از آنکه بخواهد کارگردان باشد، به‌عنوان تدوینگر شناخته شد و فیلم‌هایی همچون «سارا و آیدا» به کارگردانی مازیار میری، «بهشت باران» و «زیر باران» به کارگردانی مجتبی فرآورده و سیف‌الله داد را تدوین کرد. او در آخرین اثرش یعنی «کارو»، فیلمی متفاوت را به سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر ارسال کرد و حالا هم دست به یک سوره متفاوت دیگر زده است. مرادپور که در تمام سال‌های فعالیت حرفه‌ای خود به‌عنوان سازنده آثار مربوط به سینمای دفاع مقدس شناخته می‌شود، حالا فیلمی را درباره جنگ اقتصادی به فجر ۴۴ فرستاده است. حالا احمد مرادپور مقابل دوربین «فرهیختگان» قرار گرفته و درباره «کارواش» صحبت می‌کند. فیلمی که بنا بر گفته او احتمالاً به مذاق مفسدان اقتصادی خوش نمی‌آید.

■ ■ ■

اگر قرار بود امسال در جشنواره فجر جایزه‌ای برای بخش «پژوهش» در نظر گرفته شود، یکی از مهم‌ترین کاندیداها فیلم «کارواش» بود. فیلمی که هم در سوره و هم در پرداخت، یک مسئله پیچیده اقتصادی را به زبانی ساده تبدیل کرده است. با پیش‌ازاین در سریال‌ها شاهد شرح مسائل اقتصادی بوده‌ایم، اما در سینما کمتر به این شکل دقیق اتفاق افتاده بود. چه شد که چنین روایتی از یک چالش اقتصادی، سوره فیلم شما شد؟

این نتیجه تلاش و صبوری نویسنده (آقای عباس نعمتی) در بخش پژوهش بود تا به یک سیستم منسجم و داستانی روان برسد. ایشان سعی کردند با اقتصاددانان متعددی (حتی اساتید دانشگاه تهران) درباره این موضوع صحبت کنند و مطالعاتی داشته باشند تا بدانند چه عواملی به اقتصاد سالم صدمه می‌زنند. از طرفی، به ابعاد دیگر ماجرا و تله‌های قانونی پرداختیم که مفسدان از آن استفاده می‌کنند تا ردی از خود باقی نگذارند. ما تحقیقات مفصلی کردیم که بخشی از آن را من در جریان بودم و برای بخش زیادی از آن تلاش شد تا یک ساختار منسجم شکل بگیرد.

کارواش به مذاق مفسدان اقتصادی خوش نمی‌آید

است. این فیلم به جای اینکه فساد را در چهره یک ابرشرور خلاصه کند، به سراغ «چرخه» می‌رود. دیالوگ کلیدی «افشاگری بازی قدرته؛ من دنبال شفافیت» بیانیه‌نظری فیلم است. در این اثر، فساد نتیجه کارکرد شبکه‌ای از ابزارهای به‌ظاهر قانونی مانند شرکت‌های صوری، هیئت‌مدیره‌های صوری، خیریه‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه است که به واسطه ۱- ضعف نظارت نهادی و ۲- شرایط اقتصاد کلان کشور، به محلی برای دور زدن قوانین، فرار مالیاتی و پولشویی تبدیل شده‌اند. درخصوص ضعف نظارت نهادی می‌توان به مواردی همچون سرعت پایین ایجاد تقرارن اطلاعات میان دولت و موزیان، سرعت پایین دسترسی برخط سازمان مالیاتی به اطلاعات تراکنش‌های مشکوک، عدم الزام حسابرسی و عدم اشراف کامل بانک مرکزی و نهادهای ناظر بر گردش حساب صندوق‌های قرض‌الحسنه و خیریه‌ها در گذشته اشاره کرد. اما اهمیت شرایط اقتصاد کلان کشور در ایجاد فساد بسیار مهم‌تر از مورد قبلی است. وجود رانت‌های قیمتی و قیمت‌های چندگانه در اقتصاد ایران در ایجاد فساد از ارز ترجیحی گرفته تا قاچاق سوخت و کارت‌های بازرگانی اجازه‌ای و امثال آن بسیار مؤثر بوده است. حذف ایران از نظام بانکی بین‌المللی در ایجاد سیستم تراستی و عدم شفافیت در حوزه تجارت‌اعم از بازگشت ارز، کم‌اظهاری و پیش‌اظهاری در صادرات و واردات و قاچاق کالا و بازهم افزایش تجارت با کارت‌های بازرگانی اجازه‌ای و یکبار مصرف نقش مهمی داشته است. فقدان یاسرعت پایین تقرارن اطلاعات تجاری، امضا‌های طلایی و بوروکراسی طویل‌گمرکی و تجاری هم در افزایش حجم اقتصاد سایه و قاچاق و درنهایت پولشویی نقش بسیار حائز اهمیتی داشته است.

فیلم هوشمندانه از قهرمان‌سازی اغراق‌آمیز فاصله می‌گیرد و نقش اول را میان چند شخصیت تقسیم می‌کند. این تقسیم‌نقش پیام روشنی دارد؛ مبارزه با فساد، پروژه یک نهاد است، نه یک فرد. «کارواش» چهره‌ای متفاوت از سازمان امور مالیاتی ارائه می‌دهد؛ نه به‌عنوان ماشین جرمه‌سازی، بلکه به‌عنوان تنظیم‌گر شفافیت اقتصادی.

۳ پیام کلیدی

«کارواش» اگرچه در برخی لحظات دراماتیک شتاب‌زده عمل می‌کند، اما از منظر طرح مسئله، گامی مهم محسوب می‌شود. در بخشی از فیلم، با افراد مستحق، فقیر یا حتی معتادی مواجه می‌شویم که در ازای مبالغی ناچیز، بدون اطلاع دقیق، اسنادی را امضا کرده و به‌عنوان اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های صوری معرفی شده‌اند. بعدها این افراد با قطع بارانه، قرار گرفتن

این نکته بسیار سخی است. فیلم‌هایی که رگه‌های علمی و اقتصادی دارند، وقتی از مرحله فیلمنامه به تصویر و قاب دوربین می‌رسند، کار دشوارتر می‌شود؛ چون مخاطب سینما عام است. درباره تبدیل این مفاهیم به اجرا بگویید، به‌خصوص که شما سبک کلاسیک را برای روایت انتخاب کردید و سراغ پیچیدگی‌های فرمی نرفتید.

در اجرا، شاید توضیح‌دادنش کمی سخت باشد، اما مهم‌ترین وظیفه کارگردان این است که فیلمنامه را بفهمد و آن را به ساده‌ترین شکل برای تماشاچی روایت کند. گاهی کارگردان در این مسیر موفق می‌شود و امیدوارم این بار هم این اتفاق افتاده باشد.

نکته‌ای که وجود دارد این است که مخاطب امروز سینمای ایران، به‌ویژه نسل جدید، کمتر با فیلم‌هایی که مستقیماً به مسائل اقتصادی می‌پردازد روبه‌رو شده است. مدل روایی کلاسیک شما ممکن است برای این نسل کمی پرریسک باشد. برای نزدیک‌کردن حس فیلم به مخاطب جوان چه فکری کردید؟

بله این ریسک وجود دارد، اما وقتی فیلمنامه داستانش را بر پایه کهن‌الگوها تعریف می‌کند، شما هم ناگزیرید که در کارگردانی از همان سبک‌وسلیاق پیروی کنید. شکل واقعی و روایت عینی باید با هم همخوانی داشته باشند. این دو لازم و ملزوم یکدیگرنند. من هم مطابق با منطق فیلمنامه پیش رفتم.

ما در فیلم شما برخلاف جریان رایج سینمای اجتماعی که همه شخصیت‌ها را «خاکستری» ترسیم می‌کند، یک «بدمن» (شخصیت منفی) کلاسیک داریم که با قاطعیت بد (با بازی امیر آقایی) است. چرا همچنان به این تفکیک میان خیر و شر پایبندید؟ این به ظرفیت کاراکتر در فیلمنامه بستگی دارد. گاهی روند داستان ایجاب می‌کند که یک شخصیت کاملاً بد باشد. اگر کارگردان بخواهد به متن وفادار بماند، ناگزیر کاراکتر همان‌گونه در می‌آید که طراحی شده است.

بازی امیر آقایی هم در این نقش بسیار درخشان است و تصویر یک مفسد اقتصادی را کاملاً در ذهن مخاطب حک می‌کند.
بله آقای آقایی درک بسیار روشن و صریحی از این کاراکتر داشت. اشتراکات ذهنی ما درباره این شخصیت زیاد بود و به‌راحتی توانستیم

کارواش به مذاق مفسدان اقتصادی خوش نمی‌آید

در دهک‌های بالای درآمدی یا بدهی‌های سنگین مالیاتی مواجه شده‌اند؛ چراکه حساب‌های بانکی آنان به‌عنوان ابزار گردش مالی گروه‌های پولشویی و فراریان مالیاتی مورد استفاده قرار گرفته است. این وضعیت نمونه کلاسیک «مسئله نمایندگی» و سوءاستفاده از عدم تقرارن اطلاعات است؛ جایی‌که فردی فاقد قدرت چانه‌زنی و دانش اقتصادی، به‌عنوان پوشش حقوقی برای فعالیت‌های غیرقانونی به کار گرفته می‌شود. نمونه‌های واقعی چنین پدیده‌ای نیز در سال‌های گذشته در اخبار منعکس شده است؛ از ثبت واردات صدها پورشه به نام یک زن سالخورده روستایی، تا روسستانیان اسفهان‌کی که هنگام عزیمت به سفر حج با بدهی‌های مالیاتی سنگین و ممنوع‌الخروجی مواجه شدند، درحالی‌که بدون اطلاع آنان، کارت بازرگانی اجازه‌ای به نامششان اخذ شده بود. این موارد نشان می‌دهد مسئله، صرفاً تخلف فردی نیست؛ بلکه ضعف در نظام احراز هویت اقتصادی، نظارت بر تراکنش‌ها و یکپارچگی داده‌های مالی است.

در مجموع، فیلم سه پیام کلیدی دارد:

۱ فرایندهای اقتصاد کلان در ایجاد فساد مهم هستند، پس اگر می‌خواهیم فساد تکرار نشود باید منشأ فساد را شناسایی کرده و به‌اصطلاح از بازتولید فساد جلوگیری کرد. وجود رانت‌های غیرهدفمند و شکاف‌های قیمتی که انگیزه فعالیت‌های غیرمولد را افزایش می‌دهد.

۲ اقتصاد سیاسی پشت پرده‌ها اهمیت دارد و برای مبارزه با فساد هیچ‌کس و گروهی نباید خود را در حاشیه امن فرض کنند. در واقع هزینه پایین تخلف در مقایسه با منافع آن در اینجا می‌تواند گلوگاه فساد باشد.

۳ شناسایی ابزارها و سازوکارهای انجام فساد در کور کردن زمینه آن مؤثرنسد. در واقع، نبود نظام اطلاعاتی یکپارچه که بتواند «ریسک سیستمی» را در مراحل اولیه شناسایی کند، خود می‌تواند گلوگاه فساد شود. به عبارتی، هرچه ساختار اقتصادی مبتنی بر امتیازات خاص، معافیت‌های غیرشفاف و مجوزهای رانتی باشد، تقاضا برای ایجاد شرکت‌های صوری، کارت‌های بازرگانی اجازه‌ای و حساب‌های پوششی نیز افزایش می‌یابد.

پیش‌نیازهای مبارزه واقعی با فساد

در ایسن چهارچوب، یکی از پیام‌های مهم «کارواش» ضرورت تقویت حکمرانی پولی و مالی است. نظام بانکی و بانک مرکزی باید قادر باشند تراکنش‌های غیرعادی و ناسازگار با الگوی درآمدی افراد را به‌صورت هوشمند شناسایی کنند. در فیلم، با موردی نمادین مواجه می‌شویم که برای یک فرد

درباره ششیوه نمایش این شخصیت به توافق برسیم.

احتمالاً زمانی که این گفت‌وگو منتشر می‌شود، جوایز هم تقسیم شده است. چقدر به سیمغ فکر می‌کنید؟

راستش وقتی فیلم می‌سازم، فقط به خود ساختن و تأثیری که روی مخاطب می‌گذارد فکر می‌کنم. شخصاً به جایزه فکر نمی‌کنم، اما معتقدم همکارانم در بخش‌های بازیگری، تصویربرداری، صدا، لباس و صحنه آن‌قدر با جدیت و بر اساس الگوهای زیبایی‌شناسی کار کرده‌اند که شایسته نامزدی یا دریافت جایزه باشند.

وقتی به سوره‌هایی مثل فساد سیستماتیک پرداخته می‌شود، ذهن مخاطب به سمت ادامه‌داشتن قصه می‌رود. آیا ممکن است «کارواش ۲» ساخته شود یا این اثر در قالب سریال ادامه یابد؟
واقعیت این است که در زمان تولید، تمام دغدغه من این بود که همین یک اثر آن‌قدر سالم و روان باشد که تماشاگر را جذب کند. اگر موقعیتی پیش بیاید یا اقبالی صورت بگیرد، شاید به ادامه آن فکر کنیم، اما تا به‌حال تمرکزی روی این موضوع نداشته‌ایم. اگر داستان جذابی به دستم برسد که بتواند این موضوع را بیشتر بشکافد، حتماً استقبال می‌کنم. نزدیک‌شدن به سوره‌های اجتماعی حساسیت‌های خودش را دارد، اما مهم این است که موضوع ارزش گفتن داشته باشد. سینما ابزاری است برای روایت داستان و طرح پرسش برای مردم.

بخشی از مسئولان و احتمالاً بخشی از کسانی که مصادق مفاسد اقتصادی هستند، فیلم شما را می‌بینند. فکر می‌کنید واکنش آن‌ها چه باشد؟
سؤال عجیبی است! واقعاً به آن فکر نکرده بودم.

مثلاً فکر کنید اگر این فیلم در بند زندانیان اقتصادی اوین پخش شود، چه واکنشی خواهند داشت؟

من این فیلم را برای مردم و مسئولان ساختم. مردم ببینند تا ریشه‌های دردی که جامعه به آن دچار شده را درک کنند و مسئولان ببینند تا متوجه شوند چرخه فساد، رانت و پول‌شویی کجاست و چه تأثیری بر معیشت و خشم مردم دارد. امیدوارم مسئولان تصمیمی بگیرند که ایسن چرخه معیوب قطع شود. قطعاً آن اقلیت اندکی که از رانت فربه شده‌اند، از دیدن این فیلم خوشحال نخواهند شد.

کارواش به مذاق مفسدان اقتصادی خوش نمی‌آید

معول، مالیاتی چندصد میلیارد تومانی ثبت شده است؛ نمونه‌ای اغراق‌آمیز اما الهام‌گرفته از واقعیت‌هایی که در سال‌های اخیر نیز دیده شده‌اند. در اقتصاد مدرن، ابزارهایی چون تحلیل کلان‌داده، سامانه‌های هوش مصنوعی برای کشف تقلب و پایگاه‌های یکپارچه اطلاعات مالی، نقش اساسی در کاهش چنین خطاهایی دارند.

از سوی دیگر، اتصال کامل حساب‌های بانکی، حذف حساب‌های بی‌هویت و دسترسی برخط سلازمان مالیاتی به اطلاعات تراکنش‌های مشکوک، پیش‌نیاز کاهش عدم تقرارن اطلاعات میان دولت و موزیان است. هرچه شفاف اطلاعاتی کمتر شود، هزینه فرار مالیاتی افزایش یافته و انگیزه ورود به اقتصاد سایه کاهش می‌یابد.

در همین راستا، اقداماتی که در سال‌های اخیر از سوی بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی انجام شده، از منظر نظری قابل دفاع است. الزام تفکیک حساب‌های تجاری و شخصی، ساماندهی پذیرنده‌ها و کارتخوان‌های بانکی و اتصال آن‌ها به پرونده مالیاتی، بررسی حساب‌های با گردش بالا، الزام به حسابرسی مالیاتی صندوق‌های قرض‌الحسنه، مکانیزه‌کردن فرایند تشخیص و رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی و ساماندهی کارت‌های بازرگانی اجازه‌ای (خیراً) همگی در چهارچوب حرکت به‌سمت شفافیت مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی و کاهش پولشویی قابل تحلیل هستند. مکانیزاسیون فرایند‌ها، با کاهش تماس چهره‌به‌چهره و کاهش اختیار سلیقه‌ای، هزینه مبادله فساد را بالا می‌برد و احتمال ثباتی را کاهش می‌دهد.

در نهایت، «کارواش» یادآور این نکته است که مبارزه با فساد، بیش از آنکه نبردی اخلاقی میان خیر و شر باشد، مسئله طراحی نهادی است. اقتصادی که در آن رانت‌های غیرهدفمند حذف شود، داده‌های مالی یکپارچه و قابل رصد باشند، هزینه تخلف بالا و احتمال کشف آن زیاد باشد، به‌تدریج از اقتصاد سایه فاصله می‌گیرد.

شعار محوری فیلم «نمی‌خواهم افشاگری کنم، دنبال شفافیت هستم» از منظر اقتصاد نهادی معنایی دقیق دارد. شفافیت به معنای افزایش قابلیت پیش‌بینی، کاهش عدم قطعیت و ارتقای پاسخ‌گویی است. تمرکز بر شفافیت یعنی به‌جای تعقیب بی‌پایان افراد، به سراغ خلأ‌های نهادی باید رفت که امکان سوءاستفاده را فراهم می‌کنند. وقتی گلوگاه بسته شود، بازیگران فرصت طلب نیز ناچار به خروج از چرخه می‌شوند.

این فیلم گرچه دارای ضعف‌های روایی است؛ اما به‌طور ضمنی یک واقعیت اقتصادی را یادآوری می‌کند؛ مبارزه با فساد پروژه یک نهاد نیست؛ نیازمند هماهنگی میان سیاست پولی، سیاست مالی و نظام نظارتی است.

ردیف	مورد مزایده / مدل	تعداد	قیمت پایه کارشناسی به ریال به ریال (عددی و حروف)	ملاحظات
۱	پژو GLX۴۰۵/ مدل ۱۳۹۴ ۹۲۳-ل ۵۳ ایران ۷۲- مزایده	یک دستگاه	۲/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰	
۲	پژو GLX۴۰۵/ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۱ ۳۸۶-ل ۲۲-ایران ۸۲- مزایده	یک دستگاه	۲/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰	
۳	پژو GLX۴۰۵/ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۱ ۳۸۸-ل ۲۲-ایران ۸۲- مزایده/ دوگانه کارخانه	یک دستگاه	۳/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	

آگهی مزایده عمومی

مشخصات خودروهای سواری مورد مزایده:

شماره تماس آقای رمضانیا: ۰۹۳۶۲۲۸۰۸۵۵	
**در ضمن جهت بازدید از خودروهای فوق با آقای جمال هاشمی با شماره تماس ۰۹۱۱۳۲۳۶۷۰۱ هماهنگ و تماس حاصل فرمایند.	
شرایط اولیه شرکت در مزایده:	
۱- هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.	
۲- به پیشنهادات خارج از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نمی‌شود.	
۳- پیشنهادات مشروط، مبهم و فاقد تضمین مورد قبول نمی‌باشد.	
۴- دانشگاه در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مجاز و مختار می‌باشد.	
۵- کلیه کسبورات قانونی، هزینه کارشناسی، مالیات بر ارزش افزوده، هزینه نقل و انتقال سند خودرو، عوارض اتوبیل و بیمه بر عهده شخص برنده مزایده می‌باشد.	